

تبیین راهبرد امنیت مردم‌پایه در مقابله

با جریان‌های تروریستی و تکفیری

حمید خسروی

حسین‌علی رمضانی

چکیده

امنیت اولویت‌دارترین نیاز انسان‌ها پس از نیازهای زیستی است. احساس امنیت امری درونی و ذهنی است که با حضور مؤلفه‌های مختلف پدیدار می‌شود. یکی از این مؤلفه‌های اساسی بهره‌گیری از توان نیروی انسانی جامعه است. امنیتی که بر پایه نیروهای مردمی بنا نهاده شده از پایداری و ماندگاری زیادی برخوردار است. احساسی که به مرور منجر به ثبات و پایداری شده و این خود عامل اصلی پیشرفت و توسعه خواهد بود. این یک اصل در حوزه مطالعات سیاسی و امنیتی است که راهبردهای امنیتی در راستای تهدیدهای پیرامونی شکل می‌گیرند. تهدید که عامل غیرقابل کنترل و عمل‌کننده در پیرامون بازیگر بوده و عمدتاً بر آسیب‌های محیط داخلی متمرکز می‌شود و با متراکم شدن، فضای امنیتی را دچار چالش می‌کند.

یکی از تهدیدهای کنونی برای اسلام و به ویژه ایران اسلامی جریان تکفیری است؛ پدیده‌ای با تاریخچه بلند در پیرامون مرزهای جمهوری اسلامی ایران که لازم است با کالبدشکافی آن، ضمن شناخت کامل این پدیده، راهکارهای مقابله با آن را به صورت عاجل ارائه کرد.

تلاش نویسندگان در این نوشتار آن است که ضمن تبیین این جریان و ماهیت راهبردهای امنیتی، راهکاری کارآمد در مدل امنیتی مردم‌پایه ارائه کنند. روش ما در این تحقیق قیاسی و با رویکردی اجتهادی بوده و از اسناد و مدارک موجود در این عرصه نیز در حد توان استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: جریان تکفیری، راهبرد، امنیت، امنیت مردم‌پایه.

مقدمه

موضوع امنیت، یکی از اساسی‌ترین موضوعات جامعه بشری محسوب می‌شود. دو نعمت اساسی که انسان‌ها تا موقعی که نبود آن را درک نکنند به اهمیت آن پی نخواهند برد یکی صحت و سلامتی و دیگری امنیت است. امنیت در دیدگاه‌های مختلف از معانی، ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مختلفی برخوردار است؛ با این اوصاف همه مکاتب بر اهمیت و جایگاه امنیت در سیر رشد، پیشرفت و توسعه فرد، گروه، سازمان، ملت، منطقه و نظام بین‌الملل تأکید دارند.

نظام‌ها به طرق مختلف سعی در احیای این نعمت دارند. وجود تهدیدهای مختلف با توجه به بسترهای آسیب‌زای داخلی می‌تواند امنیت آنها را به مخاطره اندازد. امنیت عموماً یک بار روانی و ذهنی دارد و هرچه این بار روانی میل به آرامش و ثبات داشته باشد یک نظام راحت‌تر می‌تواند در سیر توسعه قرار گیرد. در پیرامون نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب‌ریال شاهد پدیدار شدن انواع و طیف‌های مختلفی از تهدیدها هستیم که به نحوی سعی در حذف، فرسایش، کانالیزه کردن، همراه‌سازی این نظام را داشته‌اند. در عصر حاضر نیز نظام استکبار سعی در ضربه زدن به اندیشه‌های اصیل اسلامی با بهره‌گیری از ضعف درون دینی و درون مذهبی با شعار "اختلاف بینداز و حکومت کن" می‌باشیم. جریانی موسوم به جریان افراطی و تکفیری که سعی در محق دانستن خود و کافر دانستن دیگر شعب و مذاهب دارد. این جریان در سوریه، عراق و در کل کشورهای اسلامی امنیت منطقه آسیای غربی را هدف قرار داده است و بعد ذهنی روانی امنیت را دچار چالش کرده است.

امنیت‌پژوهان با بهره‌گیری از راهبردهای مختلف به توصیف مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این پدیده توصیه پرداخته‌اند؛ بنابراین نویسندگان این جستار نیز به نوبه خود با در نظر گرفتن نقش و جایگاه مردم در احیای امنیت به ارائه مدل امنیت مردم‌پایه اشاره نموده‌اند؛ بدین منظور سعی در طراحی و ارائه این مدل به روش نخبگی و با

بهره‌گیری از اسناد و مدارک دارند. همچنین سعی دارند با تعریف دقیق مسأله جریان تکفیری، راه برون‌رفت از آن را در این نوشتار را ارائه نمایند.

الف) تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

۱) امنیت

امنیت از نیازهای اساسی و اصلی انسان‌ها است، واژه امنیت در لغتنامه‌های فارسی به معنی در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی است و کلمه امن به معنی بی‌بیم شدن، بی‌ترسی، اطمینان، آسایش، آرامش و آسودگی، آرامش قلب و ضد خوف است (عمید، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

مازلو در اولویت‌بندی نیازهای بشر، بلافاصله پس از نیازهای اولیه نیاز به امنیت را جای داده و سایر نیازهای انسانی را علی‌رغم ضرورت غیر قابل انکار آنها، در اولویت‌های بعدی آورده است (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱).



هرم نیازهای مازلو

امنیت از مقولات مهم و رایج زندگی بشر از گذشته‌های دور تا امروز بوده است و گذر زمان نه تنها از اهمیت آن نکاسته است، بلکه روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده گشته و ابعاد و دامنه وسیع‌تری یافته است. یکی از دلایل این امر آن است که انجام هیچ کاری بدون وجود امنیت متصور نیست. در نبود امنیت نه عدالت تحقق می‌یابد و نه آزادی. بی‌جهت نیست که بسیاری از فلاسفه بزرگ سیاسی عامل تشکیل حکومت را تأمین امنیت دانسته‌اند.

ریشه امنیت در لغت از امن، استیمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۲).

در مورد امنیت تعاریف مختلفی ارائه شده، ولی باید توجه داشت که این مفهوم مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحدی که مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب‌نظران باشد، نیست.

اما در مجموع می‌توان از تعاریف ارائه‌شده در مورد امنیت، نقاط مشترک زیر را برداشت کرد:

- ۱) امنیت یک ارزش است و اغلب ارزشی برای رسیدن به سایر ارزش‌ها می‌باشد.
- ۲) امنیت همیشه در حال تغییر است و در درجات مختلف وجود خواهد داشت. برخی از ملت‌ها یا افراد به دلایل گوناگون خود را بیشتر از سایرین امن احساس می‌کنند. میزان تهدید یا خطر، تعداد ارزش‌هایی که باید حمایت شوند، و انتظارات از آینده ممکن است متفاوت باشند.
- ۳) امنیت نه فقط نگرانی در مورد حفاظت از ارزش‌هایی است که قبلاً به دست آورده شده‌اند، بلکه مربوط به انتظارات ما در مورد ارزش‌های آینده نیز می‌شود.
- ۴) امنیت به حداقل رسانیدن خطر را در بر می‌گیرد. تهدیدها نه فقط از نوع سنتی و نظامی است، بلکه تهدیدهای جدید غیرنظامی نسبت به رفاه ملی را نیز در بر

می‌گیرند (لطیفیان، ۱۳۷۶: ۷۶).

علی‌رغم مشکلاتی که در زمینه تعریف امنیت وجود دارد و فارغ از عینی یا ذهنی - روانی دانستن آن، در حقیقت زیرساخت و زیربنای تمام پیشرفت‌ها و توسعه انسانی ایجاد امنیت پایدار بوده است. این موضوع سبب تمرکز مطالعات بر روی عوامل پیش‌برنده اجتماعات انسانی می‌شود.

۲) راهبرد

فرهنگ لغات وبستر استراتژی یا راهبرد را علم و هنر به‌کارگیری نیروی بازوی جنگجو برای محافظت و نجات امکانات در یک جنگ تعریف می‌کند (کینز، ۱۳۷۹: ۱۹).

راهبرد به منزله الگوی تصمیم‌هایی است که در سازمان اخذ می‌شود و فعالیت‌ها و نتایج را شکل می‌دهد. راهبردهای خوب، ابزارهایی رقابتی به شمار رفته و راهبردهای نامناسب، ضعف‌های عمده برای سازمان محسوب می‌شوند (رضائیان، ۱۳۷۹: ۲۰۹). در حقیقت راهبرد یک سازمان مشخص می‌کند که یک سازمان چگونه می‌خواهد برای سهام‌داران، مشتریان و شهروندان ارزش‌آفرینی کند (کاپلان، رابرت، ۱۳۸۶: ۱۴).

راهبرد، ساده نبوده و درک نظریه راهبرد برای فهم منطق و پیچیدگی آن ضروری است. نظریه راهبرد ارائه‌گر واژگان و تعاریف، مقدمات و قضایا، فرضیات اصلی آزمون‌پذیر و روش آزمون آن فرضیات و تغییرات لازم در آن نظریه است (دفاستر، ۱۹۹۰: ۴۳)؛ بنابراین راهبرد عبارت است از چارچوبی که مجموعه حرکات و اقدامات اصلی را برای دستیابی به اهداف، ترسیم می‌کند و چگونگی منابع را برای به دست آوردن موقعیت‌های مطلوب و خشی کردن تهدیدها در حال و آینده بیان می‌دارد (مایر، ۱۳۶۸: ۵).

راهبرد همچون سیاست، هنر احتمالات است، اما تعداد کسانی که از احتمالات آگاهی دارند معدودند (موری و گریمزلی، ۱۹۹۴-۱۹۹۷: ۲۲).

تعاریف فوق باید در یک معادله منطقی به نمایش درآید؛ چراکه محققان این نوشتار بر این باورند که گذر از مفاهیم و تعاریف پایه‌ای و رسیدن به یک نظام و مدل خاص در راهبرد می‌تواند یاری‌گر ما در این نوشتار باشد.

$$S = E + M + W$$

S: Strategy= راهبرد E: Ends= اهداف M: Means= منابع W: Ways= راه‌ها

تعریف جامع و ساده: راهبرد عبارت است از راه‌های رسیدن به اهداف با امکانات و منابع موجود.

راهبرد مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و گزینش‌های در تقابل میان محدودیت‌ها از یک سو و امکانات موجود از سوی دیگر است. استراتژیست‌ها برای نیل به اهداف، تلاش می‌کنند از میان گزینه‌های ممکن، مطلوب‌ترین گزینه را که کمترین هزینه و بیشترین منافع را داشته باشند، گزینش کنند. به طور کلی راهبرد باید:

- اهداف مشخصی را پی‌جویی کند.
- به محدودیت‌ها و موانع موجود توجه داشته باشد.
- به امکانات و مقدورات موجود توجه داشته باشد (علینقی، ۱۳۸۱: ۳۲۵).

۳) راهبرد امنیتی

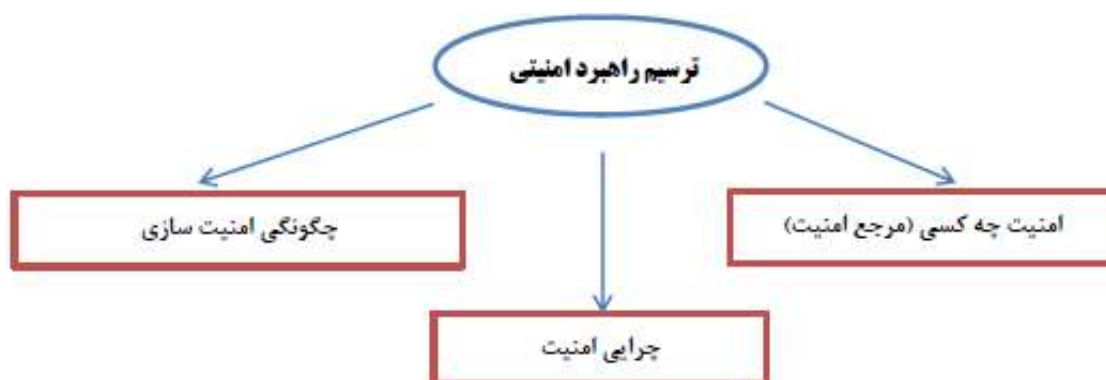
راهبرد امنیتی تعیین‌کننده کارکردهای امنیت در ابعاد مختلف یک نظام مستقل سیاسی است و جهت‌دهنده حرکت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی.

در تعریف راهبرد امنیتی، شناسایی مسائل امنیتی که دولت‌ها را در ترسیم راهبرد امنیتی یاری می‌رسانند ضروری است. مسائل امنیتی: «رخدادها و تحولاتی هستند که حاکمیت یا استقلال یک کشور و دولت را به شیوه بنیادین و سریع مورد تهدید قرار داده و آن را از قابلیت و توانایی لازم برای اداره و مدیریت مستقل خود محروم کنند» (همان).

راهبرد امنیتی در تأمین امنیت راهبردی نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر امنیت راهبردی بر پایه‌هایی استوار است که اصلی‌ترین آنها راهبرد امنیتی است. تا راهبرد امنیتی مشخص نشود امکان ترسیم امنیت راهبردی نخواهد بود (مرادیان، ۱۳۸۸: ۴۹).

راهبرد امنیتی زیرمجموعه راهبرد ملی در بخش امنیت ملی است که در آن اهداف امنیتی و بقای کشور و نظام سیاسی دنبال می‌شود.

راهبرد امنیتی به دنبال پاسخ‌گویی به سه سؤال اساسی است؛ اولاً اینکه امنیت توسط چه کسی و برای چه کسی و برای چه افرادی باید تأمین شود؟ ثانیاً هدف از احیای امنیت چیست؟ و ثالثاً امنیت، با چه امکانات و منابعی و با چه روشی احیا می‌شود؟ این سه پرسش در خصوص این موضوع در مدل زیر ترسیم شده است:



راهبرد امنیتی، سیال و متغیر بوده و بسته به شرایط، نیازمند بازنگری و تغییر است. در پاسخ به سه رکن بالا (امنیت چه کسی؟ چگونه؟ و چرا؟)، لازم است محورهایی که زیر شاخه‌های اصول کلی راهبرد امنیتی هستند مورد توجه قرار گیرند تا بتوان در خصوص ترسیم راهبرد امنیتی بهتر اقدام نمود. این محورها عبارتند از (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۶۵):

جدول شماره ۱ - اصول کلی راهبرد امنیتی

۱	راهبرد امنیتی باید منافع محور باشد .	اصول کلی راهبرد امنیتی
۲	راهبرد امنیتی باید هدفگرا باشد.	
۳	راهبرد امنیتی باید متناسب با واقعیات بیرونی باشد.	
۴	راهبرد امنیتی باید همه جانبه باشد.	
۵	راهبرد امنیتی باید متکی بر مولفه های امنیت باشد.	
۶	راهبرد امنیتی باید قابلیت کنترل بحران را داشته باشد.	
۷	راهبرد امنیتی باید محیط مدار باشد.	

۴) جریان تکفیری

«تکفیری» عنوانی است که به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که غالباً برخاسته از قرائت‌های مختلف سلفی وهابی، مسلمانان را به صرف آنکه با آنان هم‌عقیده نیستند، بر خلاف معیارهای شرعی شناخته‌شده، متهم به کفر و خروج از دین می‌کنند.

فرقه وهابی از جمله جریان‌هایی است که در مقابل امت اسلامی قرار گرفته است. وهابیان با استفاده از آیاتی که درباره کفار و مشرکان صدر اسلام و اقوام جاهلی نازل شده، مسلمانان را به کفر و شرک متهم می‌سازند و اعمال مسلمانان را مطابق اعمال کفار قلمداد می‌کنند. آنها با داشتن افکاری خشن، باعث ایجاد اختلاف، تشّت، درگیری و جنگ میان مسلمانان و خشنودی کفار و استعمارگران شده‌اند.

در مبحث تکفیر دو مؤلفه اصلی و اساسی وجود دارد که عبارتند از «جهل و تعصب و اکتفا کردن به مطالعه کتب» و «عنصر روحی و روانی، عجب و خودبزرگ‌بینی» (رضوانی، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۹).

«جهل» گاهی در مقابل «عقل»، گاهی در مقابل «علم» و گاهی در مقابل «فقه» به کار گرفته می‌شود. در اینجا منظور از جهل، مفهومی در مقابل فقه است. اصولاً تکفیر نه

در فضای فقه، بلکه در فضای جهل شکل می‌گیرد. مقصود همان فقهی است که در صدر اسلام بوده و سه شعبه داشته است: فقه رفتار، فقه نفس و فقه وجود. فقه رفتار، احکام پنج‌گانه واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح را تبیین می‌کند. فقه نفس، انسان را از گرفتار شدن در زندگی دنیایی و غفلت از سعادت اخروی باز می‌دارد و او را به تهذیب و توجه به آخرت سفارش می‌کند. اما فقه وجود، فقهی است که به انسان سعه و گستره می‌بخشد. مشکل تکفیری‌ها این است که به هیچ کدام از این سه شعبه فقهی قائل نیستند.

اگر کسی با دین مرتبط شود و به فقه کاری نداشته باشد، این ارتباط او می‌شود جهل، و دین او می‌شود منشأ سخت‌گیری. او گمان می‌کند به دین متصل است، در حالی که آنچه او دارد دین نیست. او نه با خدای دین مرتبط شده، نه احکام دین را فهمیده، نه به مسیر آینده که آخرت است مرتبط شده و نه از جهنم هراس دارد.

عنصر روحی و روانی یکی دیگر از مؤلفه‌های وجود جریان تکفیری است، در میان این جماعت که مسلمانان را تکفیر می‌کنند یک پدیده انکارناپذیر وجود دارد و آن، خودپسندی و شیفتگی نسبت به کارهایشان می‌باشد. عجب و خودپسندی آغازی است برای خطرناک‌ترین و زشت‌ترین رفتاری که اسلام از آن نهی کرده است (علوی المالکی، ۱۳۸۹: ۶۵). اسلام دینی است که در آن روحیه گشاده‌رویی و آمادگی برای خدمت به مردم و رفع مشکلات آنها توصیه می‌شود. خشونت، کشتن انسان‌های بی‌گناه، سختی قلب و... در اسلام جایی ندارد، البته بخشی از این مشکل به مسأله اخلاق برمی‌گردد. اخلاق تلطیف‌کننده روح است. اگر اخلاق به شدت فردی شود و اجتماعی نباشد و یا به شکل گزینشی عمل بشود، در جامعه تولید روحیه خشن و انتقام‌جویانه می‌کند.

برای شناخت اصول و قواعدی که بر جریان تکفیری حاکم می‌باشد، لازماً ست ابتدا به عقاید و آموزه‌ها و اقدامات و فعالیت‌های جریان تکفیری اشاره نماییم.

عقاید و آموزه‌های یجریان تکفیری ریشه در اندیشه‌های وهابیت دارد. ستون فقرات عقاید وهابی‌ها را، حرام دانستن شفاعت، زیارت، دعا، گریستن بر اموات حتی پیغمبر و ائمه، تخریب قبور از هر کس باشد، حتی پیغمبر (که از بیم واکنش جهان اسلام این یکی را نتوانستند عملی سازند) و مشرک دانستن همه مسلمین، غیر از وهابی‌های صحرای نجد، تشکیل می‌دهد. ضیایی نیز در کتاب خدا از نگاه وهابیت مهم‌ترین عقاید وهابیت را مبارزه با شفاعت، توسل و زیارت قبور پیامبران، امامان و صالحان بیان نموده است (ضیایی، ۱۳۹۰: ۱۱).

این جریان قرائت متفاوتی از اسلام دارد که در چند محور خلاصه می‌شود:

محور اول: در توحید عبادی، دایره آن را بسیار محدود می‌کنند و هر کسی، اعمالی همچون زیارت قبور و غیره را انجام بدهد، تکفیر می‌کنند.

محور دوم: در ایمان و کفر است. پیروان این جریان قایل به تلازم میان ایمان و عمل هستند و مانند خوارج، مسلمانان را تکفیر می‌کنند.

محور سوم: در بدعت است که هر امر جدیدی را بدعت به شمار می‌آورند؛ در صورتی که بدعت شاخص‌های مخصوص به خود را دارد. به طور نمونه، برپایی جشن ولادت پیامبر(ص) را باعث کفر می‌دانند.

محور چهارم: حیات برزخی است که معتقد هستند جهان سومی به نام برزخ وجود ندارد و قبر کسی را که فوت کرد، نمی‌توان زیارت کرد؛ بنابراین استعانت از اولیای الهی، استغاثه و توسل به آنان را جایز ندانسته، بلکه از مظاهر بارز شرک می‌دانند. این جریان با توجه به اندیشه‌های انحرافی خود، دست به یک‌سری اقداماتی زدند:

- اولین آن، انهدام و تخریب آثار اسلامی بود که صرفاً به آثار تشیع نیز، محدود نشد. در حالی که آنها ابتدا، اقدام به تخریب قبور عسکریین(ع) کردند، سپس حرم امام‌زاده عبدالسلام در لیبی، قبر حجرین‌غدی در سوریه را تخریب و

اکنون نیز شاهد صدور فتوا از سوی آنان برای تخریب حرم حضرت زینب(س) هستیم.

- دومین اقدام آنان، کشتار و قتل مسلمانان است که بعد از بیداری اسلامی در بسیاری از کشورها، به قتل و کشتار مسلمانان پرداختند که هم شیعه‌ها و هم سنی‌ها، قربانی این اقدامات بودند.
- یکی دیگر از کارکردهای آنان، گسترش و رواج اندیشه‌های تکفیری است که در صورتی که جلوی آن گرفته نشود، باعث تفرقه در جهان اسلام خواهند شد.

همه مسلمانان از تکفیر و قتل خسته شده‌اند، حتی قرآن نیز پیامبر(ص) را به اتخاذ شیوه احسن در مجادلات، توصیه می‌کند؛ بنابراین روش تکفیری‌ها در مخالفت کامل با روش و سیره پیامبر(ص) و اسلام است.

این جریان برای موجه نمودن فعالیت خود در حوزه تئوریک سعی در بیان برخی دیدگاه‌ها و رفتارها در بین مسلمانان به ویژه شیعیان دارند، بدین صورت که با رویکردی تعصبی و بیان برخی شبهات و با نگاهی سطحی و قشری‌مابانه سعی در محق جلوه دادن خود و کافر دانستن دیگران دارند که برخی از این محورها و مصادیق را در جدول بیان داشتیم.

جدول شماره ۲- برخی از محورها و مصادیق عقاید تکفیری

عقاید و آموزه‌ها		مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های	
محورها	مصادیق	محورها	مصادیق
توحید عبادی	زیارت قبور	تخریب آثار اسلامی	تخریب قبور امامزادگان
ایمان و کفر	تلازم میان ایمان و عمل	کشتار و قتل مسلمانان	قتل شیعه و سنی
مخالف با بدعت	برپایی جشن میلاد رسول	ترویج اندیشه‌های تکفیری	مخالفت نظری و عملی
حیات بزرخی	توسل، استغاثه	طرح شبهه	مجادله

بد نیست بدانیم این جریان که هم‌اکنون در سوریه و عراق در حال فعالیت می‌باشد از شعبات و ساختار بسیاری برخوردار است که نشان از آن دارد که به مرور مانند سلول‌های سرطانی ریشه دوانده و گسترش می‌یابد. نمونه‌ای از این شعبات جریان تکفیری را در جدول شماره ۳ بیان داشتیم.

سازمان‌ها و جنبش‌های متعددی که حول محور القاعده در عراق فعالیت می‌کنند، عبارتند از (پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان ترور):

جدول شماره ۳: برخی از سازمان‌های تکفیری عراق

ردیف	سازمانهای تکفیری فعال در عراق	اصول وقواعد حاکم واقدامات
۱	سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین	بمب گذاری خودروها، ترور و آدم ربایی، کشتن بی گناهان، سربردن و مثله کردن اجساد است
۲	ارتش انصار السنه	
۳	ارتش اسلامی عراق	
۴	حزب التحریر	هدف اعضای این گروه ایجاد حکومتی خلافتی در عراق و بیرون راندن کفار از عراق است.
۵	جیش الطائفة المنصورة	پرتاب خمپاره به سمت زائران امام موسی کاظم
۶	گروه یاران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)	انفجار کمربند انفجاری- قتل بیست نفر از منطقه الدوره در بغداد
۷	سپاه عمر	انجام ۲۰۰ عملیات ترور و ترور تعداد زیادی از اعضای جنبش های اسلامی و ملی از جمله منشی دفتر عادل عبدالمهدی و مدیر دفتر احمد چلبی را بر عهده گرفته است. انفجار ساختمان موسسه شهید محراب در تلعفر.
۸	گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک	خودروی بمب گذاری شده - انفجار کمربند انفجاری
۹	جیش محمد (الحق)	شعار آن "حکومت برای اعراب سنی عراق است " است.
۱۰	گروه ابوایمن	شیوه کاری آن به کارگیری خودروهای بمب گذاری شده، بمب گذاری و پرتاب موشک است.
۱۱	گردان زبیر بن عوام	خودروهای بمب گذاری شده- پرتاب موشک
۱۲	گردان حسن بصری	شیوه کاری آن بمب گذاری، خودروهای بمب گذاری شده، عملیات انتحاری و ترور است

شاخص‌های زیر را برای این جریان می‌توان متصور بود:

- خشونت: آشکارترین مشخصه‌ای است که یک تکفیری با آن شناخته می‌شود و در واقع تابلوی اوست. امام علی (ع) درباره‌ی تکفیری‌های زمان خود می‌فرمایند: «سیوفکم علیعواتکم» یعنی شمشیرهایتان بر گردن‌هایتان آویخته است. محل قرارگیری شمشیر در نیام است، اما وقتی برود روی گردن، یعنی من می‌خواهم کسی را بکشم (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۲۷).

- آسیب زدن به افراد بی‌گناه: خلط کردن افراد یک مجموعه و کشتن همگی آنها برخلاف آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» یعنی: هیچ گناهکاری بار (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد (سوره مبارکه زمر/آیه: ۷) که از جمله اصول حاکم بر رفتار این جریان است.

اسلام دقت دارد که اگر خطایی از پدر سر زد، گناه آن به پای پسر نوشته نشود. مشخصه تکفیر آن است که نمی‌تواند این‌گونه باشد.

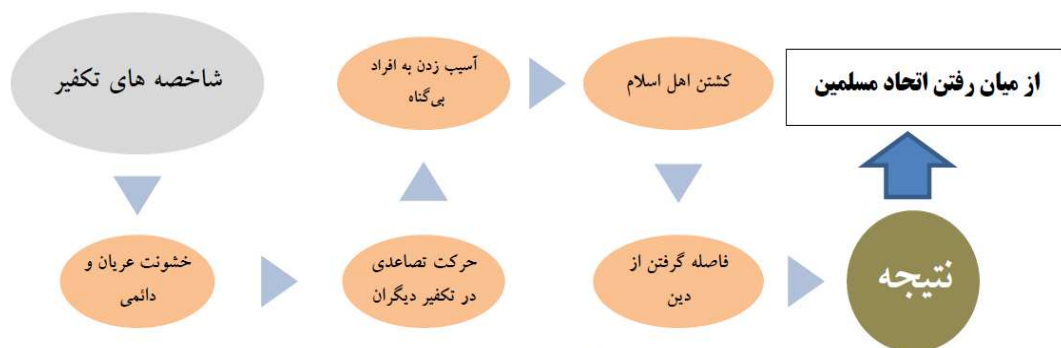
- حرکت تصاعدی در تکفیر دیگران: آنها ابتدا دیگران را گمراه می‌خوانند، سپس آنها را تکفیر می‌کنند و در مرحله سوم آنها را بدون متمایز نمودن از یکدیگر می‌کشند و در این مسیر خود ابتدا از یک نفر یا یک جمعیت کم شروع می‌کنند و سپس دایره گمراهان و کافران را گسترش می‌دهند.

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به تکفیری‌های زمان خود فرمودند: «فان ایتم الا ان تزعموا انی اخطات و ضللت فلم تضللون عامه امه محمد بضاللی و تأخذونهم بخطئی و تکفرونهم بذنوبی»؛ اگر مخالفت با من از این روست که می‌پندارید من خطا کرده‌ام و گمراه شده‌ام، پس چرا همه را از دم شمشیرهایی که بر شانه حمایل کرده‌اید، می‌گذرانید و کسی که گناه کرده با کسی که گناه نکرده درهم می‌آمیزید؟ (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۲۷)

- کشتن اهل اسلام: این مشخصه برای تکفیری‌ها وجود دارد که میدان و محل کشتار را داخل امت مسلمان قرار می‌دهند و کشتن را متوجه مسلمانان می‌کنند. آنان عطشی سیرناشدنی در مسلمان‌کشی و برادرکشی دارند. در کتب اهل سنت روایتی است از قول پیامبر(ص) در وصف خوارج که فرمودند: «یقتلون اهل الاسلام»؛ آنان اهل اسلام را می‌کشند.

- فاصله گرفتن از دین: مستندات روایی این شاخص در کتب شیعه و اهل سنت آمده است. تعبیر دینی آن «مروق» به معنای عبور کردن از اسلام است: «يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ»؛ از دین خارج می‌شوند همان‌گونه که تیر از کمان خارج می‌گردد. این فرمایش پیامبر اسلام (ص) است؛ یعنی مشخصه فکری ای‌ها آن است که در محدوده اسلام باقی نمی‌مانند.

مشخصه‌های اصلی این جریان به طور کلی در مدل زیر به نمایش در آمده است:



مدل شماره ۲: شاخصه‌های جریان تکفیری و نتیجه حاصل از آن

در طول تاریخ اسلام، افراد و فرقه‌ها و گروه‌هایی بوده‌اند که مخالفان خود را تکفیر می‌کردند و با کوچک‌ترین عاملی آنان را خارج از دین اسلام می‌شمردند و حکم به وجوب قتل آنان می‌دادند. شروع این پدیده مخرب، از خوارج آغاز شد و در دو قرن اخیر، وهابیان شیوه آنان را ادامه داده‌اند.

این افراد (خوارج) قرائتی از دین ارائه دادند که مورد قبول هیچ کدام از فرق اسلامی نبود و پیامبر اسلام (ص) هم پیش بینی کرد که «اینها از دین خارج می‌شوند، مانند تیری که از چله خارج شده است» این روایت به این معنا است که تکفیر مسلمان کار بسیار ناشایستی است زیرا کسی که اهل قبله باشد و شهادتین را گفته دیگر نمی‌توان وی را تکفیر کرد و مال و جان و ناموس او را مباح شمرد. خداوند متعال می‌فرماید: به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید: مسلمان نیستی (نساء/آیه: ۹۴). در این آیه، خداوند متعال مسلمانان را از نسبت دادن کفر به دیگران به بهانه‌های مختلف نهی کرده است.

عمران بن حصین از رسول خدا (ص) نقل کرده است که فرمود: هرگاه کسی به برادر دینی خود بگوید: ای کافر مثل آن است که او را به قتل رسانده باشد.

بحث تکفیر بعد از خوارج در میان مسلمانان از بین رفت؛ زیرا قرائت جدیدی بود و با اندیشه اسلامی نمی‌ساخت، مسلمانان این اندیشه را به دور انداختند تا اینکه در قرن هفتم هجری باز شاهد ظهور اندیشه تکفیر هستیم که ابن تیمیه آن را آغاز و بسیاری از مسلمانان را مشرک و کافر قلمداد می‌کرد. وی می‌گوید: «کسی که به زیارت می‌رود و به توسل و شفاعت قائل است کافر و قتل وی واجب است» و می‌گوید: «کسی که به شخصی که از دنیا رفته بگوید: مرا دریاب، مرا کمک کن، مرا بر دشمنم یاری نما و امثال این درخواست‌ها که تنها خدا بر آن قادر است، این از اقسام شرک است» (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)، اما علی‌رغم اینکه وی در حوزه نظری دارای عقیده تکفیر است ولی در حوزه عملی جرأت به تیغ کشیدن و کشتن مسلمان را ندارد و حتی وقتی در وهله‌ای از تاریخ در کنار حاکمان وقت قرار می‌گیرد مسلمانان را نمی‌کشد اما این اندیشه را همچنان در ذهن دارد.

بعد از ابن تیمیه جریان تکفیر فراموش می‌شود تا قرن دوازدهم هجری قمری که محمد بن الوهاب ظهور و وهابیت شروع به فعالیت می‌کند. وی فردی بی‌سواد بود، اما نظریات ابن تیمیه را دریافت و علاوه بر نظریات در حوزه عمل وارد شد و

مسلمانان فراوانی را به خاک و خون کشید، به طوری که حامد الگار در کتاب وهابی‌گری خود می‌نویسد: «این افراد از قرن ۱۲ تا کنون ۴۰۰ هزار نفر را به خاک و خون کشیدند و جنایت‌های بسیاری را به وجود آوردند» (الگار، ۱۳۸۶: ۸۶).

تکفیر در عصر حاضر نتیجه عملکرد نابخردانه کشورهای غربی به ویژه آمریکا و حامیان به اصطلاح مسلمان آنها در منطقه است، آمریکا برای عدم سلطه کمونیسم به افغانستان به افغان‌ها سلاح می‌داد و عربستان نیز حمایت پولی و مالی را بر عهده داشت و پاکستان نیز پایگاه در اختیار آنان قرار می‌داد. در نهایت این اقدامات منتهی به این شد که یک گروه مجرب تاکتیکی در دل جریان افغانستان شکل گرفته و آنقدر قوی شدند که بعد از جنگ افغانستان کنترل آنها از سوی کشورهای خود حامی این جریان بودند و بعد از پایان جنگ افغانستان، آمریکا که در صدد استفاده ابزاری از القاعده برای تثبیت حضور خود بود، القاعده را در منطقه حفظ کرد، آمریکا از یک طرف ادعای مبارزه با این گروه را داشت و از سویی دیگر از آن حمایت می‌کرد و بعد از این اتفاقات به مرور این گروه در جهان اسلام پراکنده شدند.

گاهی اینگونه تلقی می‌شود که دشمنی آنان صرفاً با شیعه است و آنان با شیعیان می‌جنگند، اما هنگامی که تاریخ را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که بیشترین قربانیان وهابیت از اهل سنت هستند و جالب‌تر اینکه بیشترین قربانیان از حنبلی‌ها هستند و این در حالی است که خود وهابیت می‌گویند ما به حنبلی‌ها نزدیک‌تر از بقیه هستیم؛ بنابراین قربانیان تکفیر هم شیعه و هم سنی بودند.

جریان تکفیر ریشه در تفکر و راهبردهای غرب برای مقابله با اسلام دارد، باید در این زمینه گفت که غربی‌ها برای جلوگیری از رشد اسلام در غرب پروژه اسلام‌ستیزی در جهان اسلام را آغاز کردند. پروژه آنها یکی مقابله مستقیم با اسلام بود و حتی بوش اعلام کرد که دوره جنگ‌های صلیبی مجدد آغاز شده است و چهره‌هایی همچون هانتینگتون نیز مبحث برخورد تمدن‌ها را مطرح کرد، اما باید به

این نکته توجه داشت که حاصل این برخورد تمدن‌ها این بود که باعث شد یک اتحاد در بین مسلمانان ایجاد شود. لشکرکشی آمریکا به افغانستان، حمله به عراق و حمله هواپیماهای بدون سرنشین به نقاط مختلف پاکستان، همه این اقدامات موجب شد تا غرب در نگاه مسلمانان بد جلوه کند و غرب منفور مسلمانان شود. بعد از این آمریکا روش مقابله با اسلام از طریق حملات فرهنگی را در پیش گرفت، آنها برای اجرای این نقشه اقداماتی از قبیل خلق کاریکاتورهایی علیه پیامبر اسلام کشیدند حتی مبحث جمع‌آوری مناره‌ها را در کشورهای اروپایی مطرح کردند، اما همه این اقدامات نه تنها موجب تضعیف اسلام نشد، بلکه باعث اتحاد مسلمانان شد و هنگامی که پروژه‌های آنان علیه اسلام یکی پس از دیگری شکست خورد آمریکا پروژه اسلام علیه اسلام را برنامه‌ریزی کرد.

از انس نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: هر کس که نماز ما را به جای آورد و رو به قبله ما نماز گذارد و از ذبیحه ما استفاده کند او مسلمانی است که در ذمه خدا و رسولش می‌باشد، پس نباید نسبت به کسی که در ذمه خداست حيله نمود (رضوانی، ۱۳۹۰: ۴۱).

در نتیجه، شیعه و سنی معتقدند که گوینده شهادتین، مسلمان است و اگر چنین شخصی به احکام دین هم عمل نکند، از دین خارج نمی‌شود؛ هرچند این اسلام برای او در روز قیامت نجات‌دهنده نیست (فلاحی، ۱۳۹۱: ۵۶).

۵) امنیت مردم پایه

تأکید بر نیروی اجتماعی و مردمی را برای احیا، گسترش و ثبات امنیت، امنیت مردم‌پایه گویند. وجود سرمایه‌های اجتماعی مانند آگاهی، اعتماد و مشارکت در عرصه یک اجتماع موجب گسترش فضای اطمینان و به تبع آن نزدیک شدن به جامعه امن خواهد بود.

در تعریف بالا باید به رویکردهای دیگری چون امنیت اقتصادپایه، فناوری پایه و... نیز اشاره داشت. مبنی بر اینکه بسیاری از کشورها سعی در بهره‌گیری از علوم و فناوری‌های نوین و خرید تسلیحات با رویکردی نظامی سعی در احیای امنیت دارند و برخی از کشورها با بهره‌گیری از بسیج مردمی و نیروی انسانی به این هدف نایل می‌شوند. تأکید ما در این نوشتار بر نیروی مردمی و عرصه سرمایه انسانی و اجتماعی است.

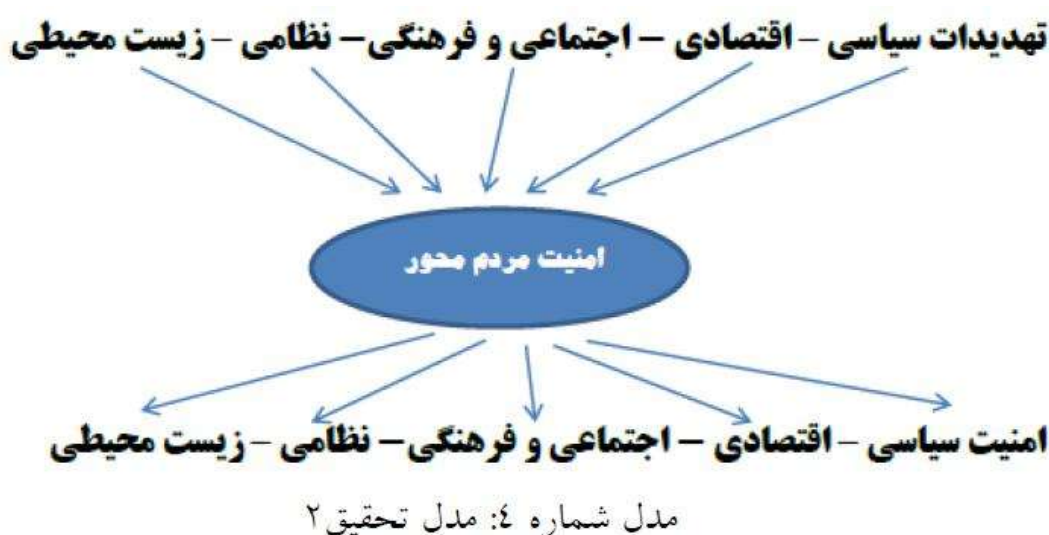
ب) مدل تحقیق

گذر از مفاهیم و مباحث تئوریک و رسیدن به شکل و مدل در فرایند تحقیق امری ضروری است. احساس امنیت و ناامنی دو طیف موضوع امنیت در یک محیط هستند. با توجه به پدیدار شدن جریان تکفیری در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به نحوی احساس ناامنی در سیستم کشور ایران امری بدیهی می‌نماید. با این اوصاف برای احیای امنیت بهره‌گیری از نیروی اجتماعی و مشارکت مردمی در این تحقیق توصیه می‌شود و مدل اولیه پیشنهادی در زیر ترسیم شده است:



مدل شماره ۳: مدل تحقیق ۱

امنیت مردم پایه می‌تواند در حوزه‌ها و ابعاد مختلف امنیتی به تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و حتی زیست‌محیطی پاسخ دهد و با توجه به اهمیت و جایگاه مردم در احیای این امر مهم، شاهد نوعی ثبات و به اصطلاح امنیت پایدار در این عرصه خواهیم بود. ضمن آنکه با در نظر گرفتن نوع تهدید که عموماً در بین آحاد مردم و از جنس مردمی است می‌توان نزدیک‌ترین طیف مقابله با آن را مردم فرض کرد. بدین معنا که در حوزه امنیت پژوهی می‌بایست نوع مقابله با نوع تهدید هم‌سنخی داشته باشد.



ج) راهبردهای امنیتی مردم‌پایه در مقابله با جریان‌های تکفیری

۱) بهره‌گیری از منابع امنیتی مردم‌پایه

قرآن کریم راه و روش برخورد با این گروه‌های زیاده‌خواه را کسب آمادگی کامل و تقویت نیرو و توان توصیه نموده است. کسب آمادگی به‌حدی که دشمنان را به- رعب و هراس افکند و جرأت تجاوز و تعدی را از آنها سلب نماید.

نکته جالب این است که قرآن مجید تنها در دو مورد با واژه "ما استطعتم" که به معنی "استفاده از همه توان" بر به کارگیری تمام توان و نیرو تأکید ورزیده و از

مؤمنان می‌خواهد با تمام قدرت به صحنه مبارزه با دشمن درون و بیرون وارد شوند. عبارت "ما استطعتم" دو بار در آیات قرآن تکرار شده:

- آیه ۱۶ سوره تغابن که می‌فرماید: "فاتقوا الله ما استطعتم"، (تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید).

- آیه ۶۰ سوره انفال که می‌فرماید: "واعذوا لهم ما استطعتم من قوه...، (تا آنجا که می‌توانید در برابر دشمن آماده باشید...).

بنابراین مفاد آیات بالا می‌رساند که توانایی و آمادگی در حد کمال در دو مورد ضرورت دارد:

- مبارزه با دشمن درونی و باطنی (جهاد اکبر).

- مبارزه با دشمن بیرونی و ظاهری (جهاد اصغر).

براین اساس باید گفت؛ عصاره فرهنگ و تفکر بسیجی و بهره‌گیری از توان مردمی برای برقراری امنیت از همین دو آیه قرآن نشأت گرفته و در پیام و مضمون آنها خلاصه می‌شود.

در اندیشه سیاسی مدرن و نظریه امنیت بوزان، دولت در فضای آنارشی، مسئول امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۷).

امام خمینی (ره) درباره نقش مردم در دفاع از کشور در برابر تهاجم بیگانه می‌فرماید: «ملت آگاه ایران، امروز شاهد آن همکاری‌های عظیم انسانی در سرتاسر کشور است و نیز شاهد ایثار مال و جان عزیزان خود برای پیروزی و راندن کفار بعثی از میهن عزیز خویش است» (بسیج در اندیشه امام خمینی (ره): ۱۴۳).

همچنین مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت و نقش نیروی مردمی برای مقابله با دشمنان و برقراری امنیت در کشور در دیدار با بسیجیان کشور می‌فرماید: «اگر بسیج نیروی مردمی نمی‌بود... بدون شک جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانست در مقابل این همه توطئه، این همه خباثت، این همه دشمنی و این همه سنگ‌اندازی، مقاومت کند» (۷۵/۸/۳۰).

در عرصه بین‌الملل نیز مقام معظم رهبری مهم‌ترین راهکار مقابله با هر عامل ضد وحدت را تکلیف بزرگ شیعه و سنی و دیگر شاخه‌های مذهبی خواندند و خاطرنشان کردند: «نخبگان سیاسی، علمی و دینی برای ایجاد وحدت در جوامع اسلامی، وظایف سنگینی برعهده دارند. امروز مهم‌ترین مسأله در دنیای اسلام، وحدت است (مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی: ۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

۲) راهبردهای امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی^۱: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاه‌های فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸).

از دیدگاه ویور^۲ امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی-اش تحت شرایط تغییر و تهدیدهای واقعی و محتمل تعریف می‌شود. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطرنشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶۲).

اگر جمعیت تشکیل‌دهنده یک کشور نسبت به ارزش‌های حیاتی مانند تمامیت ارضی و رژیم سیاسی احساس تعلق کرده و در احیا و ارتقای هویت ملی بکوشند، انسجام اجتماعی وجود دارد. اما اگر گروه‌های مختلف جامعه، اطمینان خاطر خود

^۱ - Societal Security

^۲ - Ole Waever

نسبت به سلامت جامعه را از دست بدهند و با تکیه بر وجوه تمایز مذهبی، دینی و قومی، در مشروعیت ارزش‌های حیاتی تردید کنند، آنگاه نظام اجتماعی جامعه از هم گسیخته می‌شود و زمینه برای جنگ داخلی، مداخله خارجی، بی‌اعتمادی و امنیتی شدن مسائل عادی مهیا می‌شود.

در الگوی دولت- ملت نوعی رابطه خاص میان دولت و مردم شکل می‌گیرد که شکل پنهان، مؤثر و عمیق آن هویت ملی است که استعدادهایی نظیر انسجام، بسیج مردمی و مشارکت را در پی داشته، به بقای حکومت کمک می‌کند اما در برخی دولت‌ها، ایدئولوژی نقش محوری پیدا می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۷).

امنیت اجتماعی، به مثابه پیامد مثبت و مطلوب، حاصل اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر زندگی فردی در قدم اول و زندگی جمعی به تبع آن است. بدین ترتیب، هرچند اصطلاح امنیت اجتماعی، مفهوم امنیت برای اجتماع را مطابق با نگرشی کل‌گرایانه در ذهن متبادر می‌سازد، اما اساس مفهوم امنیت اجتماعی و وجه ممیز آن از امنیت عمومی، امنیت ملی، امنیت کشور و مانند آن، تأمین امنیت مادی و معنایی فرد است (تقی‌لو، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

اگر در گذشته مرجع امنیت را دولت‌ها می‌دانستیم، اکنون باید مرجع امنیت را جامعه بدانیم و اگر در گذشته امنیت خود را در پرتو ثبات یگانگی و آرامش جستجو می‌کردیم امروزه باید مفاهیمی نظیر تغییر، کثرت و بحران را وارد آحاد تعریفی امنیت بنماییم. اگر در گذشته به امنیت به عنوان یک پروژه حکومتی می‌نگریستیم، اکنون باید به آن به عنوان یک پروسه اجتماعی بنگریم.

۳) راهبردهای امنیت اجتماعی مردم‌نهاد

«اگر به کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شود چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم» (برگرفته از پیام حضرت امام خمینی (ره) ۶۷/۹/۲).

مهم‌ترین عامل نه تنها در مقابله با تهدیدها بلکه عامل بازدارنده از حملات، حفظ وحدت اجتماعی و انسجام ملی است. از این روست که دشمن می‌کوشد پیش از هر حمله فیزیکی نخست این سد استوار را بشکند و با ایجاد اختلافات و تفرقه در صفوف ملت آنان را به خود سرگرم نماید.

از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر وحدت هر جامعه، موضوع سرمایه اجتماعی و نرخ بهره‌مندی آن در کشورها است. سرمایه اجتماعی اولاً بسیار کم هزینه است و ثانیاً پایان‌ناپذیر می‌باشد که می‌تواند امنیت و اطمینان را برای جامعه به ارمغان بیاورد.

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی و در سازمان اجتماعی جامعه (نهادهای رسمی و غیررسمی) وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند که گاه از آن به عنوان ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود، عبارتند از؛ صداقت، حسن تفاهم، سلامت نفس، همدردی، دوستی، دلسوزی، همبستگی، فداکاری و.... سرمایه اجتماعی از طریق این منابع، کنش‌های کنشگران را در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه، آسان، سریع، کم‌هزینه و مطمئن می‌سازد و بدین وسیله آنان را در رسیدن به اهداف مشترک اجتماعی کمک می‌کند.

به نظر بورديو سرمایه شکل‌های متنوعی دارد: سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت، دانش)، سرمایه نمادین (افتخار، پرستیژ) و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد) (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۶).

یکی از تعاریف دیگر این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌ها می‌شود. سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های زیر در یک سیستم اجتماعی دانست:

اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده، کار گروهی.

در واقع اجرای یکسری از مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی که مورد پذیرش نیروهای امنیتی کشور و شهروندان جامعه است، به مشارکت مردم در خصوص حمایت از حکومت منجر می‌گردد، و متغیرهای مستمر و پایدار (اعتماد^۳، مشارکت^۴ و انسجام^۵) دولت با جامعه شکل می‌گیرد، که به نقش‌آفرینی مؤثر سرمایه اجتماعی در برقراری امنیت اجتماعی منجر خواهد شد.

تجارب به دست‌آمده از فعالیت‌ها و عملکرد امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای بیانگر این است که مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت) تا چه حد تأثیر قابل توجهی بر افزایش مشارکت مردمی، یکپارچگی، تقویت ارزش‌های ملی و بومی، میزان رضایت‌مندی، توسعه جامعه، افزایش امنیت، اعتماد و ارتقای اراده ملی، دانایی محوری و... گذاشته و یا خواهد گذاشت.

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در افزایش عملکرد امنیت اجتماعی مردم‌محور و با توجه به این‌که پاسخ دولت به مردم، نقش اساسی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، امنیت پایدار و اعتماد به دولت را ایفا می‌کند، دولت می‌تواند با افزایش و بهبود سیستم پاسخ‌گویی خود به شهروندان، به افزایش اعتماد مردم به حکومت کمک کند.

«امنیت اجتماعی، به مثابه پیامد مثبت و مطلوب، حاصل اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر زندگی فردی در قدم اول و زندگی جمعی به تبع آن است. بدین ترتیب، هرچند اصطلاح امنیت اجتماعی، مفهوم امنیت برای اجتماع را مطابق با نگرشی کل‌گرایانه در ذهن متبادر می‌سازد، اما اساس مفهوم امنیت اجتماعی و وجه ممیز آن از امنیت عمومی، امنیت ملی، امنیت کشور و مانند آن، تأمین امنیت مادی و معنایی فرد است. اگر در تأمین امنیت اجتماعی، تبعات و پیامدهای عمومی آن را در نظر داشته

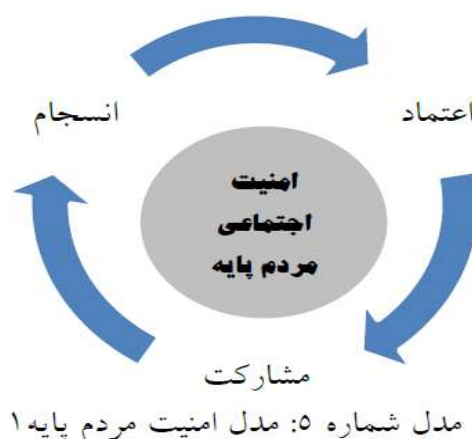
^۳- Trust

^۴- Participation

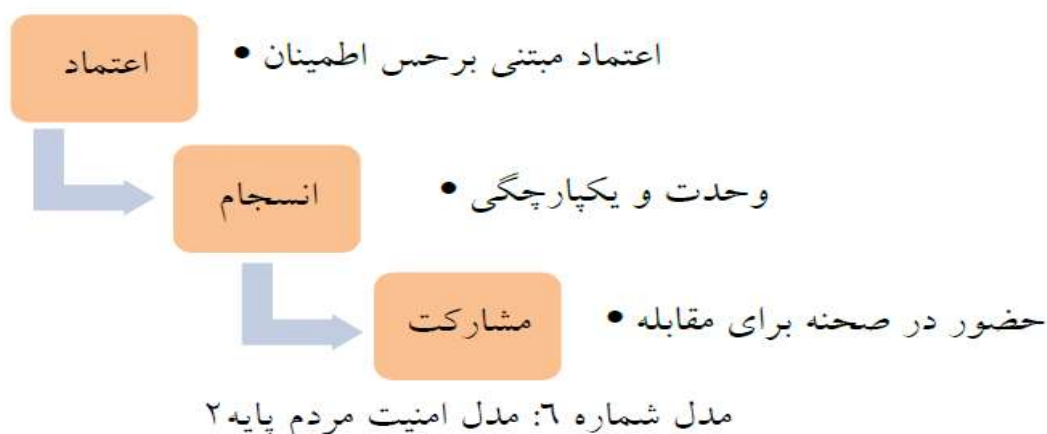
^۵- Solidarity

^۶- Sustainable Security

باشیم، منافع جمع بر فرد مقدم دانسته‌ایم، اما اگر صرفاً تحقق حقوق و منافع فرد را صرف نظر از هزینه‌های آن در نظر بگیریم، تقدم حقوق و منافع فرد بر جمع تأکید کرده‌ایم» (تقی‌لو، ۱۳۸۵: ۲۴۰). پایه و اساس بهره‌گیری از امنیت مردم‌پایه بالا بردن سطح سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی است و محققان این عرصه سه مؤلفه اتحاد، مشارکت و به تبع آن انسجام را در قالب مدل زیر ارائه داده‌اند:



ترتیب و ترتب هریک از این موارد به نظر منطقی می‌آید؛ مبنی بر اینکه با بالا رفتن سطح آگاهی، اعتماد حاصل می‌شود و این اعتمادی که مبتنی بر حس اطمینان است، انسجام و همبستگی اجتماعی را ترقی داده و در ادامه موجب افزایش سطح مشارکت آحاد جامعه در حوزه‌های مختلف می‌شود. این فرایند در مدل زیر قابل ترسیم است.



اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی ارتباطات بین فردی و یا بین شهروندان و سازمان‌ها و نهادهای یک جامعه است. در واقع اعتماد عبارت است از تمایل فرد یا یک جمع به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. به تعبیر فوکویاما «اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد».

به همین دلیل، آیزنشات به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسأله نظم اجتماعی برای بنیانگذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است» (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). از جمله عواملی که می‌تواند اعتماد شهروندان به دولت را افزایش دهد، کمک کردن به شهروندان در زمینه‌های مختلف است» (مرادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

به طور کلی می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد. هر کشوری برای مقابله با تهدیدها و برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و باتجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند: اعتماد، تعهد، مسئولیت‌پذیری و... هم نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند. در واقع برای موفقیت دسته جمعی، وجود سرمایه اجتماعی شرط است.

۴) راه‌های بهره‌گیری از امنیت مردم‌پایه در مقابله با جریان‌های تکفیری

با توجه پیامدهایی که سرمایه اجتماعی (مشارکت مردم) در حوزه امنیت جامعه‌محور (مردم‌نهاد) خواهد داشت، راهبردها و راهکارها در راستای تحقق امنیت مردم‌نهاد عبارتند از:

- ۱) به منظور استقرار امنیت جامعه‌محور باید در جهت بهبود زندگی اجتماعی شهروندان از ابزارهای فناورانه، تکنولوژیکی، تبلیغاتی و... در جهت اقناع و ترغیب مشارکت شهروندان تدابیر فرهنگی و اجتماعی استفاده کرد؛
- ۲) در راستای بهره‌گیری از مردم برای ایجاد امنیت پایدار باید شهروندان را در اجرای نظم و برقراری امنیت اجتماعی به مشارکت فعال ترغیب و تشویق کرد؛
- ۳) برقراری ارتباط متقابل با انجمن‌های غیر دولتی (NGO) در جهت برقراری نظم ملی و ایجاد همدلی و یکپارچگی در سطح جامعه؛
- ۴) اقدامات و فعالیتهای عملی در جهت ارتباط و پیوند نزدیک و صمیمانه شهروندان و نیروهای امنیتی برای همکاری در برقراری نظم و امنیت و همچنین استفاده سازمان‌یافته از مشارکت‌های شهروندی؛
- ۵) تلاش برای تقویت بسیج مردمی و شهروندی در حفاظت از محلات و مناطق مرزی، شهری و روستایی؛
- ۶) توجه و احترام به ویژگی‌های فرهنگی، اقوام و ادیان رسمی جامعه؛
- ۷) ترویج فرهنگ مشارکت، همکاری و مساعدت با نیروهای مسلح؛
- ۸) ضرورت شناخت معیارها و خصوصیات فرهنگی و بومی اقوام ایرانی و برخورد متناسب با این اقوام و تلاش در خصوص مشارکت در دفاع از میهن؛
- ۹) بهره‌گیری از ظرفیت دین در راستای برقراری مشارکت.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

نتایج حاصل از جستار حاضر این است که:

- امنیت به عنوان اصلی‌ترین عامل رشد و توسعه یک سیستم فرض می‌شود و اهمیت آن به نحوی است که در صورت عدم آن، به اخلال در سیستم می‌انجامد.

- مؤلفه‌های امنیت در سطوح و ابعاد مختلفی قابل ترسیم است و راهبردهای امنیتی بر اساس محیط پیرامونی در قبال پدیده‌ها و تهدیدها تدوین می‌شوند.
- جریان تکفیری، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را دستخوش تحولات و منجر به پدیدار شدن تهدیدهای متعدد کرده است و نظام امنیتی می‌بایست برای آن تدبیری در سطح راهبردی بیندیشد.
- این جریان از جنس ایدئولوژیک بوده و در حوزه بینشی، در نهایت به حوزه رفتاری و افراطی کشیده شده است.
- از راه‌های برون‌رفت از این جریان، بهره‌گیری از مدل امنیت مردم‌پایه می‌باشد؛ راهبردی که در آن جنس مقابله با جنس تهدید نزدیک‌ترین هم‌سنخی را داراست.
- امنیت مردم‌پایه بر روی سه عنصر اتحاد، مشارکت و انسجام اجتماعی به عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی نظر دارد و هرچه این سه عنصر رشد یابد امکان بهره‌گیری از این توان در مقابله با جریان تکفیری میسرتر است.
- ترغیب جامعه در احیای امنیت پایدار امری ضروری است که فرایند خاص آگاه-سازی و دعوت به مشارکت را می‌طلبد.
- تأکید بر وجوه مشترک و تقریب ویژگی‌های اختلاف‌زا در احیای امنیت مردم‌پایه لازم می‌نماید.
- برخوردهای معتدل و منطقی با ابعاد اختلافی که مانند آتش زیر خاکستر در طول تاریخ در بین مذاهب، اقوام، نژادها و زبان‌ها وجود داشته و دارد و جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط و جلوگیری از عوامل تنش‌زایی که منجر به خطر انداختن وحدت و انسجام بین مسلمانان می‌شود.

- زمینه‌سازی و بسترسازی برای حضور مشترک بین اقوام و مذاهب در فضاهایی که در آن ضمن گفتگو و بیان نظرات و دیدگاه‌ها، عرصه برای بهره‌گیری از وجوه اختلاف‌برانگیز توسط نظام سلطه به حداقل برسد.

- شعار تقریب مذاهب و وحدت جهان اسلام بهترین راهبرد محسوب می‌شود، در صورتی که در این راستای گام‌های عملی با توجه به امکانات و منابع برداشته شود.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۷۶)، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: انتشارات لقاء.
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۸۷)؛ *دانشنامه سیاسی*، تهران: نشر مروارید، چاپ شانزدهم.
- ۳- الگار، حامد (۱۳۸۶)؛ *وهابیگری*، احمد نمایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ۴- بداشتی، علی‌الله (زمستان ۱۳۸۶)؛ *شناخت سلفیه، سلفیه چیست؟ سلف صالح کیست؟* میقات حج، سال شانزدهم، شماره شصت و دوم.
- ۵- بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ *مردم، دولتها، هراس*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- بوزان، باری، و الی ویور، (۱۳۸۸)؛ «*مناطق و قدرت‌ها*»، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- پوستین چی، زهره (۱۳۸۷)؛ «*گذر از کمربند شکننده: بازسازی امنیت همیارانه در خلیج فارس*»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱.
- ۸- تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۵)؛ *بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۳۲، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران. قابل دسترس در www.sid.ir.
- ۹- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (زمستان ۱۳۸۲)؛ *سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
- ۱۰- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی نظم* (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۱۱- حسام‌الدین، علی بن متقی (۱۴۲۳ق)؛ *کنز العمال*، علی نصیری، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- ۱۲- خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی، (۱۳۹۲)، «*بیانات*»، دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.
- ۱۳- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)؛ *بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)*، مهدی مرندی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۴- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)؛ *نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان (ع)*، فصلنامه حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره ۴.
- ۱۵- رجبی، حسین (۱۳۸۸)؛ *بررسی فتوای تکفیر در نگاه مذاهب اسلامی*، قم: نشر مشعر.
- ۱۶- رضائیان، علی (۱۳۷۹)؛ *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران، سمت، چاپ اول.

- ۱۷- رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۰)؛ سلسله مباحث وهابیت شناسی - وهابیان تکفیری، موسسه فرهنگی هنری مشعر.
- ۱۸- سیدرضی (۱۳۸۰)؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، تهران: به نشر.
- ۱۹- سیدمن، استیون (۱۳۸۸)؛ کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- ۲۰- ضیایی، رحمت الله (بهار ۱۳۹۰)؛ خدا در نگاه وهابیت، تهران: فصلنامه تقریب مذاهب.
- ۲۱- علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۸۹)؛ سلفی‌گری و وهابیت، تبارشناسی، قم: ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
- ۲۲- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۱)؛ جایگاه امنیت در استراتژی ملی، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم سال پنجم.
- ۲۳- علوی المالکی، علی بن (۱۳۸۹)؛ هشدار در خصوص تکفیرهای بی‌رویه، ترجمه: مرکز تخصصی ترجمان دینی مشعر.
- ۲۴- عمید، حسن، (۱۳۷۷)؛ فرهنگ فارسی، چاپ یازدهم، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۲۵- فلاحی، احمدحسین (۱۳۹۱)؛ آرای وهابیت در ترازوی قرآن و سنت، تهران: موسسه فرهنگی هنری مشعر.
- ۲۶- کاپلان، رابرت و نورتون، دیوید (۱۳۸۶)؛ نقشه استراتژی، حسین اکبری و همکاران، تهران، آریانا، ویراست دوم.
- ۲۷- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷)؛ اصولکافی ترجمه سیدمهدی آیت‌اللهی، تهران: انتشارات جهان آرا.
- ۲۸- کینز، تام و دیگران (۱۳۷۹)؛ طرح‌ریزی واحدهای صنعتی، رضا زنجیرانی فراهانی، تهران، ترمه، چاپ اول.
- ۲۹- لطفیان، علی (۱۳۷۶)؛ استراتژی و روشهای برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ۳۰- لیک دیوید و مرگان پاتریک، (۱۳۸۱)، «نظم‌های منطقه‌ای امنیت‌سازی در جهان نوین»، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبرد.
- ۳۱- مایر، جرال و سریز، دادلی (۱۳۶۸)؛ پیشگامان توسعه، ترجمه سید علی اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران: انتشارات سمت.
- ۳۲- مرادیان، محسن (۱۳۸۸)؛ تهدید و امنیت، انتشارات مرکز آموزشی پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران.

۳۳- مرادی، مرتضی، جلیلیان، حمیدرضا، کریمی، داود (۱۳۸۹)؛ *رابطه سرمایه اجتماعی با عملکرد پلیس*. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفتم، شماره ۳۱، مهر و آبان ماه، تهران. (قابل دسترس در www.sid.ir)

۳۴- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، *درآمدی بر امنیت اجتماعی*، فصلنامه مطالعات راهبردی سال ششم، شماره ۱۹.

۳۵- ویور، اولی (زمستان ۱۳۸۰)؛ *امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن*، ترجمه مراد علی صدوقی، تهران: فصلنامه فرهنگ و اندیشه، شماره سوم و چهارم.

۳۶- Arthur F. Lykke, Jr. (۱۹۸۹); "*Toward an Understanding of Military Strategy*," chap. in *Military Strategy: Theory and Application*, Carlisle Barracks, PA: Department of National Security and Strategy, U.S. Army War College

۳۷- Murray, Williamson and Grimsley, Mark (۱۹۹۴- ۱۹۹۷); "*Introduction: On Strategy*," *The Making of Strategy: Rulers, States, and War*, Cambridge: Cambridge University Press.

۳۸- Tookey, Douglas L (۲۰۰۷); "*The Environment, Security and Regional Cooperation in Central Asia*", Communist and Post-Communist Studies Vol. ۴۰.